

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صل الله على محمد و آله الطاهرين

جلسه هشتم؛ ۱۴۰۲/۰۷/۱۶ فقه العروة الوثقى (اجتهاد و تقلید) استاد علی دوست

قبل از ادامه بررسی «مسأله ۳»، دو سؤال مطرح شده که پاسخ آن مهم و کارآمد است:

۱- حیطة اجتهاد، احتیاط و تقلید درمسائل تا چه مرزی است آیا منحصر در امور عبادی بوده یا شامل امور معاملی نیز می شود؟

در «مسأله ۱» بیان شد که انسان درمسائلی که شارع در آنها دخالت کرده یا باید اجتهاد کند یا تقلید یا احتیاط. دخالت شارع در امور به دو صورت تأسیسی مانند عبادات و امضایی مانند بسیاری از معاملات است.^۱ احتیاط در اموری که شارع در آنها دخالت کرده منحصر در امور تأسیسی نیست بلکه شامل امور امضایی نیز می شود. از این رو لازم است مکلف در امور معاملی که شارع در آن دخالت کرده احتیاط، اجتهاد یا تقلید نماید. با توجه به این توضیح مواردی چون شیوه اجرای برخی از امور که شارع در آنها دخالت نکرده است یا اساساً در حیطة دخالت شارع نیست مانند نحوه اجرای برخی دستورات شارع مثل آنکه در چشم آسیب دیده باید دیه داده شود و لازم است میزان آسیب بررسی شود، اینکه چه شیوه ای در شناخت میزان آسیب به کار می رود این ربطی به شارع ندارد اگرچه ممکن است شارع متناسب با زمان خودش راهی را بیان کرده باشد. در اینگونه امور اجتهاد، تقلید و احتیاط لازم نیست.^۲

۲- اگر در تعیین و تخییر بین اجتهاد، تقلید و احتیاط دچار شک شویم، آیا اجتهاد و تقلید متعین است یا اینکه بین سه راه اجتهاد، تقلید و احتیاط مخیر هستیم؟

در رابطه با تعیین و تخییر دو مبنا وجود دارد که یکی مشهور و دیگری نادر است. مشهور اصولیین قائل اند در دوران امر بین تعیین و تخییر باید احتیاط کرد و احتیاط مقتضی تعیین است. اما در برابر مشهور، دیدگاه تفصیلی وجود دارد که اگر دوران امر بین تعیین و تخییر ناشی از شک در اعتبار و حجیت طریق باشد، چون شک در حجیت یک طریق مساوق با عدم حجیت است باید احتیاط کرد و حکم به تعیین نمود. اما اگر منشأ شک ما شک در حجیت و اعتبار طریق نیست در اینگونه موارد برائت جاری می شود.

برای فهم بهتر این دو مبنا به دو مثال ذیل توجه شود:

۱. نسبت به دخالت شارع به صورت تأسیسی در معاملات اختلاف است، برخی قائل اند (یا در عمل چنین رفتار میکنند که) شارع مانند عبادات در معاملات دخالت کرده و باید متعبد بود. برخی نیز قائل اند شارع هیچگونه دخالتی در معاملات نداشته است. اما به نظر ما شارع برخی از امور معاملی را تأسیس کرده است مانند ربای معاملی، اگرچه بسیاری از موارد معاملات از امور امضایی هستند.

۲. حتماً به فقه و عرف بخش گستره شریعت مراجعه شود.

الف) شخصی مقلد مرجع اعلم است و می‌خواهد وجوهات خود را بپردازد و به هر دلیلی نظر تفصیلی اجتهادی یا تقلید ندارد یا نمی‌تواند کسب کند که آیا مخیر است وجوهات را به مجتهد غیر اعلم بدهد یا متعین است که به مجتهد اعلم بپردازد؟ در اینجا بنا بر مبنای مشهور اصولیین پرداخت به فقیه اعلم متعین است اما بنا بر مبنای غیر مشهور چون مکلف علم دارد که باید خمس را به مجتهد بدهد و در وجوب قید اعلمیت تردید دارد این شک به اصل تکلیف برگشت می‌کند، از این رو براءت جاری می‌شود و «رُفِعَ مَا لِإِعْلَمُونَ» این مورد را در بر می‌گیرد.

ب) اگر شک شود که آیا می‌توان از مجتهد غیر اعلم تقلید کرد یا آنکه وجوب تقلید متعین در مجتهد اعلم است؟ در این مورد شک چون در اعتبار و حجیت طریق عمل به فتوای مجتهد غیر اعلم هست، گفته می‌شود، شک در اصل حجیت مساوق با عدم حجیت است، پس باید احتیاط کرد و تقلید از اعلم متعین می‌شود.^۳

در رابطه با دوران امر بین تعیین اجتهاد و تقلید و تخییر بین اجتهاد، تقلید و احتیاط گفته می‌شود؛ چون شک در اعتبار و حجیت طریق عمل به احتیاط داریم لازم است احتیاط شود و تقلید یا اجتهاد متعین گردد.^۱

البته باید توجه داشت که با تقریب بیان شده در جلسات قبل ما شکی در جواز عمل به احتیاط نداریم، زیرا غرض رسیدن به واقع است و تمام راه‌های اجتهاد، تقلید و احتیاط از راه‌های رسیدن به واقع می‌باشند و خودشان موضوعیت ندارند.

ادامه بررسی مسأله ۳

«قد يكون الاحتياط في الفعل كما إذا احتمل كون الفعل واجباً و كان قاطعاً بعدم حرمة، و قد يكون في الترك كما إذا احتمل حرمة فعل و كان قاطعاً بعدم وجوبه، و قد يكون في الجمع بين أمرين مع التكرار كما إذا لم يعلم أنّ وظيفته القصر أو التمام».

در جلسه قبل گفته شد که این مسأله صورت‌های عمل به احتیاط را بیان می‌کند و اشکال شد که محقق طباطبایی در این مسأله متذکر همه صورت‌ها نشده و از جامعیت برخوردار نیست. اشکال شده که ایشان در صدد بیان همه موارد احتیاط نبوده‌اند تا اشکال عدم جامعیت به ایشان وارد شود! در پاسخ گفته می‌شود؛ چون می‌توان متن را جامع بیان کرد اشکال همچنان هست اگرچه گفته شود که سید ماتن در صدد بیان تمام صور احتیاط نبوده است.

در جلسه قبل گفته شد که سید ماتن در این مسأله برای صورت عمل به احتیاط از طریق جمع و تکرار مثال جمع بین نماز قصر و تمام را بیان کرده است در حالی گفته شد برخی از محشین گفته‌اند اگر یک نماز چهار رکعتی بخواند عمل به احتیاط شده است. اگر این نحوه از احتیاط در نماز ثابت شود

۱. توجه شود که محقق نائینی برای احتیاط دلیل دیگری را می‌آورند که آیت‌الله خوئی آن را پاسخ می‌دهند.

ثمره آن جواز به جماعت خواندن آن است، زیرا وی یک نماز را به قصد احتیاط می‌خواند ولی اگر بخواهد نماز جمع بخواند چون دو نماز است نمی‌توان به او اقتدا کرد.

برای اثبات عمل به احتیاط در خواندن یک نماز چهار رکعتی دو مطلب باید ثابت شود:

۱. آنچه که نیاز است تا مکلف از نماز خارج شود «سلام» می‌باشد. اولین چیز برای اثبات این که خواندن نماز چهار رکعتی موافق عمل به احتیاط است، باید اثبات کرد، چون «سلام» مخرج نماز است و مخرج نماز، جزء نماز نیست،^۱ پس می‌توان دو رکعت را خواند، تشهد را گفت، سپس به جهت احتیاط دو رکعت دیگر خواند و پس از چهار رکعت مخرج نماز را (سلام) گفت. اما اگر گفته شود؛ مخرج نماز نیز جزء نماز است نمی‌توان به یک نماز چهار رکعتی اکتفا کرد.^۲

۲. دومین چیزی که لازم است تا اثبات شود خواندن یک نماز چهار رکعتی موافق عمل به احتیاط است آن که باید اثبات کرد که فاصله «سلام» از تشهد در رکعت دوم اشکالی ندارد، اما اگر گفته شود؛ این مقدار از فاصله مخل به نماز است نمی‌تواند یک نماز چهار رکعتی را موافق احتیاط دانست اگرچه قائل به جزئیت «سلام» برای نماز نباشد.^{۳ و ۴}

بررسی این مسأله جایش اینجا نیست بلکه در «سلام» نماز است. از این رو ما این مسأله را رد نکردیم اما گفتیم اثبات این مسأله مبتنی بر دو مطلب مذکور است.

الاقتراح (پیشنهاد)

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته پیرامون «مسأله ۳» پیشنهاد داده می‌شود عبارت ذیل جایگزین عبارت عروه شود:

«للاحتیاط صور فقد یکون بالفعل^۵ کما اذا احتمل کون الفعل واجباً و له الحجة علی عدم حرمته...^۶ و قد یکون بالجمع بین امرین و غیر ذلک».

۱. برخی قائل اند مخرج از شیء خود شیء نیست.

۲. باید توجه داشت که ممکن است ادعای عدم جزئیت سلام برای نماز از اهل سنت گرفته شده باشد چون آن‌ها برای نماز مخرج‌های دیگری را نیز قائل اند.

۳. فرض مذکور با فرض سهو، نسیان و خطا مقایسه نشود که تأخیر سلام در آن‌ها اشکالی ندارد پس در صورت عمل به احتیاط هم اشکال ندارد، پس خواندن یک نماز چهار رکعتی موافق احتیاط است. زیرا در این فرض، مکلف یا مصلی آگاهانه سلام را به تأخیر می‌اندازد.

۴. اساساً چه کسی گفته مخرج عن الشیء جزء شیء نیست؟ همانطور که اکثر فقها سلام را هم مخرج می‌دانند و هم جزء نماز. پس لازم است این مسأله مذکور در جای خودش یعنی بحث سلام بررسی شود.

۵. آوردن «باء» بهتر از «فی» است.

۶. «و قد یکون بالترک کما اذا احتمل کون الفعل حراماً و له الحجة علی عدم وجوبه»

توجه: در احتیاط چون کشف خلاف معنا ندارد، مجزی است اما در تقلید و اجتهاد چون کشف خلاف مطرح است بحث اجزای راه می‌یابد.

مسألة ۴

«الأقوی جواز الاحتیاط و لو كان مستلزماً للتکرار و أمکن الاجتهاد أو التقلید».

در «مسألة ۲» گفته شد که باید آن را با «مسألة ۴» ملاحظه کرد. آنچه نیاز بود از ادله مانعین جواز عمل به احتیاط و پاسخ‌های آن و دلیل جواز عمل به احتیاط بیان شد، از این رو این مسأله بررسی خاصی نیاز ندارد الا اینکه در این مسأله آمده است «احتیاط جایز است اگر چه مستلزم تکرار باشد در حالی که اجتهاد یا تقلید نیز ممکن است»؛ این عبارت در مقایسه با فتوای ایشان در «مسألة ۶» فصل الصلاة فی النجس^۱ سازگاری ندارد، زیرا در آن مسأله بیان شده که شخصی سه لباس دارد که یکی از آنها قطعاً طاهر بوده و معلوم است و دو لباس دیگر یکی نجس و دیگری پاک ولی معلوم نبوده و هر دو لباس مشتبّه است. این فرد مکلف به جای آنکه در لباس معلوم الطهاره یک نماز گذارد، احتیاط می‌کند و دو نماز در دو لباس مشتبّه می‌خواند، سید ماتن می‌فرماید که او مجاز به چنین رفتاری نیست، درحالی در «مسألة ۴» جواز این عمل استفاده می‌شود. اکنون لازم است بررسی شود که آیا این دو مسأله با هم قابل جمع‌اند یا خیر؟

توجه: شبیه مثالی که بیان شد موارد متعدد رایجی متصور است مثل آنکه شخصی به مکانی رفته و می‌تواند قبله را پیدا کند اما به جای یافتن قبله احتیاط کرده و به چهار طرف نماز می‌خواند.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

۱. «إذا كان عنده مع الثوبين المشتبّهين ثوب طاهر لا يجوز أن يصليّ فيهما بالتكرار بل يصليّ فيه، نعم لو كان له غرض عقلائي في عدم الصلاة فيه لا بأس بها فيهما مكرراً».